

درس هشتم

دین پژوه گرامی در این درس با این مطالب آشنا خواهید شد

- تکالیف و حقوق زن و مرد در اسلام
- ارث زن در اسلام
- تفاوت دیه زن و مرد
- اصل حکمت خداوند
- اسلام و نظام خانواده

در بررسی یک نظام حقوقی باید کل اجزاء آن را با هم در نظر بگیریم، کل اجزاء و عناصر را باید در مجموعه در نظر گرفت نباید جزئی را مد نظر قرار داد و به آن اشکال گرفت، بلکه جزء باید در کل بررسی شود و معنای نظام نیز همین است.

تکالیف و حقوق زن و مرد در اسلام

شارع مقدس تکالیف و حقوقی، مختص به زنان و مردان، در نظر گرفته است. مثلاً مرد وظیفه تأمین نفقه خانواده را دارد و زن موظف به این امر نیست، حتی اسلام بر این مطلب تأکید دارد که؛ زن حق دارد برای شیر دادن بچه از شوهر طلب اجرت کند، البته اگر بچه به واسطه نخوردن شیر مادر دچار آسیب شود؛ بر مادر واجب است که به او شیر بدهد، اما این وجوب به این معنا نیست که مرد در قبال شیر دادن زن به بچه هیچ مسئولیتی ندارد، یعنی اگر زن تقاضای اجرت کرد، مرد باید اجرت زن را بپردازد. همچنین کار منزل وظیفه اعم از طبخ غذا و شست و شو، وظیفه زن محسوب نمی‌شود و می‌تواند در قبال آن، از شوهر طلب اجرت نماید، اما از طرف دیگر زن باید مطیع شوهر باشد و اگر زن ناشزه باشد، یعنی توقعات مشروع مرد را برآورده نکرد، مرد می‌تواند زن را نصیحتش کند، مجازات کند، اما مجازات به چه شکل؛ مرد می‌تواند با چوب مسواک او را بزند یعنی مرد حق ندارد طوری او را بزند که مستحق دیه شود، نوعی تحقیر زن به خاطر ناشزه‌گی است. اگر مرد حقوق زن را تأمین نکرد و ممکن است زن نتواند از حقوق خود دفاع کند بر حاکم اسلامی لازم است که نفقه را حتی با توسل به زور از مرد بگیرد و به زن بدهد. تأمین جهیزیه برای زن واجب نیست اما مهریه زن را مرد باید بدهد. با توجه به این گزاره‌ها مدعیان حقوق زن باید بدانند که اسلام به زن توجه مضاعفی دارد.

ارث زن در اسلام

مثلاً در مورد ارث زن مسأله مطرح می‌کنند که؛ چرا ارث زن در بعضی موارد نصف ارث مرد است و مرد دو برابر زن ارث می‌برد؟ (در بعضی موارد ارث برابر است) جواب این است که نفقه زن بر عهده مرد است یعنی این نصف ارث را که زن دریافت می‌کند، وظیفه ندارد در نظام خانواده خرج کند، اما این ارث دو برابر که متعلق به مرد است باید برای خانواده هزینه کند و کار کند و نفقه خانواده را تأمین کند، بنابراین باید اجزاء این نظام را در کل بررسی کرد؛ لذا در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» معنای قوامون که از کلمه قیام است، یعنی قوام امور زن به عهده مرد است، یعنی مرد باید اموری را که قوام زن با آنها است را تأمین کند و قوام زن به مسایل امنیتی و اقتصادی است و مرد، باید حافظ امنیت و اقتصاد زن باشد و نیاز او را برطرف سازد لذا هر مردی که ازدواج می‌کند باید نیازهای زن را نسبت به شوئن وی (جایگاه زن) تأمین کند مثلاً اگر زن در خانواده سرمایه داری است شأن خاصی دارد و زنی در خانواده دیگر شأن دیگری (پایین‌تری) دارد و مرد اگر می‌خواهد به خواستگاری زنی در خانواده ثروتمند برود باید بررسی کند که می‌تواند شأن وی را رعایت کند و برآورده سازد یا خیر؟ حتی باید شأن خانواده آن زن را هم رعایت کند، این مسائل از آموزه‌های

اسلامی است.

پدر در بازگشت از سفر باید ابتدا دخترش را مورد تفقد و مهربانی قرار دهد و بعد به پسر توجه کند و در دادن هدیه دختر را بر پسر مقدم دارد زیرا بُعد عاطفی دختر که از پسر بیشتر است تأمین شود

تفاوت دیه زن و مرد

اگر این مورد را نیز در کل نظام اقتصادی خانواده بررسی کنیم علت دوبرابر بودن دیه مرد در مقابل زن تأمین نفقه خانواده از جانب مرد است و بنابراین است که زن و مرد باید با هم ازدواج کنند و مرد باید نفقه خانواده را تأمین کند و اگر کسی این مرد را به قتل رسانید باید دیه کامل را بپردازد و این دیه کامل به خانواده فرد فوت شده تعلق پیدا می‌کند اما اگر زن به قتل برسد نصف دیه پرداخت می‌شود و این مقدار به مرد (شوهر) و فرزندانش تعلق پیدا می‌کند.

حال اگر زنی سرپرست خانواده باشد و نفقه خانواده را تأمین می‌کند و مرگ زن علاوه بر ضرر عاطفی منجر به ضرر اقتصادی به خانواده نیز گردید است، در این موارد در فقه اصلی وجود دارد به نام اصل عدالت که طبق این اصل در این-گونه موارد باید مازاد بر دیه پرداخت شود، یعنی دیه ی مقرر شده پرداخت می‌شود اما مبلغی به نام مازاد بر دیه به اعتبار نفقه ای که زن تأمین می‌کند پرداخت می‌گردد.

حتی اگر تمام تلاش کسی به وسیله انگشتان دست باشد یعنی به وسیله انگشتان نفقه را تأمین می‌کند در اسلام دیه ای برای دست و زبان و میچ و غیره مشخص شده است و برای زن و مرد نیز برابر است اما کسی که نفقه خانواده را با انگشتان یا زبان تهیه می‌کند دیه ای مطابق دیه هر یک از اعضا به وی تعلق می‌گیرد، ولی بعضی از فقها بحثی را به عنوان مازاد بر دیه مطرح نموده‌اند، یعنی بر اساس ادله پرداخت دیه همان دیه ای که مقرر گردیده است پرداخت می‌شود، براساس اصل عدالت؛ مازاد بر دیه را پرداخت می‌کنند، برای اینکه تفاوتی باشد بین کسی که زبانش را بریده‌اند و منبع درآمدش به وسیله زبان نبوده است و کسی که زبانش قطع شده و از طریق زبان ارتزاق می‌کرده است.

ما در فقه اسلامی احکام اولی و احکام ثانوی داریم، اصل عدالت و اصل مصلحت داریم و باید به این مسایل توجه کرد، برخی اشکالات وارد شده به فقه از جهل به این موارد است، اصل عدالت؛ مبلغ دیه را افزایش نمی‌دهد چون حکم شرعی دیه ثابت است بلکه مازاد بر دیه را برای کسی که تمام تلاشش از طریق انگشتانش بوده است و اکنون انگشتانش قطع شده است در نظر می‌گیرد. بنابراین اگر گاهی شبهه بی عدالتی وجود داشته باشد اصل عدالت می‌تواند آن را حل کند.

اصل حکمت خداوند

از نظر کلامی ثابت شد که خداوند سبحان حکیم، عالم و قادر است و ثابت شده است که قرآن کلام خدا است و وحی می‌باشد. اکنون خدای سبحان به بندگان دستور می‌دهد که نماز صبح دو رکعت است، این تعبدی است که پشتوانه آن تعقل است یعنی با عقل ثابت شده است که خداند حکیمانه

امر و نهی می‌کند و احکام تابع مصالح و مفسد است، اگر کسی بپرسد چرا نماز صبح سه رکعت نیست؟ دلیلی برای آن نمی‌توان یافت اما می‌توان یقین داشت که خدای حکیم، حکیمانه دستور می‌دهد، مثلاً اگر پزشکی به بیمار بگوید این دارو را هر ۶ ساعت یک بار مصرف کن، بیمار دلیل آن را نمی‌داند، اما پزشک حکیم است و می‌داند ولی به بیمار نگفته است و بیمار، تعبدی معقولانه و غیر کورکورانه نسبت به پزشک دارد، نکته مهم این است که نصف بودن دیه زن؛ بی‌عدالتی نیست بعضی مسائل در مقطع خاص زمانی مشکل ایجاد می‌کند. مثلاً تا حدود ۵۰ سال پیش ازدواج مرد ۲۷ ساله با دختر ۹ ساله بسیار عادی بود و اگر مردی با زن هم‌سن و سال خود ازدواج می‌کرد او را مذمت می‌کردند و عرف به این صورت بود، اما الان شبهه مطرح می‌شود که چگونه پیامبر با عایشه که ۹ سال داشت ازدواج کرد؟ این سؤال حتی تا ۵۰ سال پیش هم مطرح نبوده است اما الان چون عرف تغییر پیدا کرده است این سؤالات ایجاد شده است، بعضی از سؤالات زاینده عرف است یعنی عرف که تغییر پیدا می‌کند این سؤالات ایجاد می‌شود و این به معنی مخالفت این مسأله با عقل نیست، بلکه این مسأله با عرف الان نمی‌سازد. زنده به گور کردن دختران عرف بود، گردت‌ها چرخیدن عرف بود و پیامبر با این عرفیات مخالفت کرد یعنی با عرفی که مخالف شرع است باید مخالفت کرد، مثلاً الان در بعضی جوامع، اگر مردی با زنی عقد و ازدواج موقت نمایند، نمی‌توانند به راحتی این امر را ابراز دارند اما اگر رابطه غیر شرعی (دوست دختر و دوست پسر) داشته باشند به راحتی برای دیگران ابراز می‌دارند، اگر بگوید این زن در عقد موقت من می‌باشد در بعضی از مجموعه‌ها او را مذمت می‌کنند اما اگر وی را دوست دختر خود بنامد او را مذمت نمی‌کنند این مطلب عرفی خلاف شرع است و قطعاً باید با این عرف خلاف شرع مقابله کرد و به هیچ وجه نباید این مسأله را امضا (تأیید) کرد اما اگر مسأله‌ای عرف است و خلاف شرع هم نمی‌باشد باید از آن تبعیت کنیم و چون خلاف شرع نمی‌باشد با آن مخالفت نکنیم. بنابراین مسائل عرفی وجود دارد که پرسش‌های عرفی درست می‌کند و نباید این پرسش‌ها ملاک اشکال به احکام شرعی قرار گیرد و به خاطر عدم سازگاری احکام شرعی با عرف، احکام تعطیل شود، الان یکی از موارد روشنفکری این است که می‌گویند: «در زمان پیامبر و ائمه عرف جامعه این بود که دیه زن نصف مرد باشد» در صورتی که عرف در آن زمان اصلاً این گونه نبوده است و در مورد ارث و دیه، پیامبر کاملاً عرف را تغییر داد، پیامبر تابع عرف زمان خود نبود و اگر بعضی از مسائل عرفی زمان خود را پذیرفت آن‌ها را اصلاح کرد و تغییر داد و بعد پذیرفت، احکام تابع عرف نیست، بلکه تابع مصالح و مفسد واقعی است که حکیم، آن‌ها را می‌دانسته و به ما ابلاغ کرده است اما فلسفه آن‌ها ناشناخته است.

اسلام و نظام خانواده

اسلام بر نظام خانواده تأکید فراوان دارد، مسئولیت امور خانه به زن سپرده شده است، البته در مقابل کاری که انجام می‌دهد می‌تواند طلب اجرت نماید و مسئولیت بیرون از خانه، به مرد سپرده شده است این توصیه‌ای است که پیامبر به حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمود و سفارش شده است که زن حضور اجتماعی زیادی نداشته باشد و نه نامحرم زیاد او را ببیند

و او نیز زیاد نامحرم را نبیند این مسأله طرفینی است اگر این توصیه اسلام عملی نشود مانند الان که ۵۵ درصد کارمندان دولت زن هستند و ۴۵ درصد مرد هستند، کاهش علقه و الفت خانوادگی چه از طرف زن و چه از طرف مرد یکی از پیامدها و آسیب‌های اجتماعی این ارتباطات است، و یکی از علت‌های طلاق است، این تداخل اجتماعی که دنیای مدرن، بین زن و مرد ایجاد کرده است به هیچ وجه مطلوب اسلام نیست. اشکالی که وارد می‌نمایند این است که آیا زن باید در خانه محبوس باشد؟ پاسخ این است که نه، زن هم مانند مرد حق فعالیت اجتماعی دارد. مثلاً نقشی که حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه کربلا داشت و اگر نبود پیام عاشورا در کربلا دفن می‌شد، نقش کمی نیست؛ یعنی فعالیت حضرت زینب (سلام الله علیها) به حکم ثانوی نبود، بلکه به حکم اولی بود، یا دفاعی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ولایت انجام داد به حکم اولی بود، یا بعضی نیازهای اجتماعی داریم که در برخی مشاغل نیاز به حضور بانوان می‌باشد، مثل پزشک‌بیماری‌های زنان، علاوه بر اینکه اشکال شرعی ندارد بلکه واجب کفائی است، یا معلم زن، برای کلاس‌های خانم‌ها لازم است اما نباید از این موارد هم فراتر برویم و بانوان مثلاً راننده کامیون شوند یا تبلیغات کنیم که بانویی راننده اتوبوس شده است و این را نشانه آزادی بدانیم این یعنی به دستور دیگران عمل نمودن در صورتی که ما باید نیازهای جامعه را بررسی و برآورده کنیم.

باید توجه داشت که فقه با تغییر جامعه حکم لازم را بیان می‌دارد و شاید هم بسیاری از موارد را حلال بداند اما این موارد جزء مقاصد شریعت نیست بر فرض اگر در تمام جامعه عقد موقت جاری بشود و عقد دائم برچیده شود خلاف شرع نیست، اما جزء مقاصد شریعت نیست، لذا براساس مقاصد شریعت حاکم اسلامی می‌تواند عقد موقت را ممنوع اعلام کند یعنی اصل در اسلام ازدواج دائم است، اما اسلام ازدواج موقت را هم برای کسانی که توانایی ازدواج دائم ندارند آزاد کرده است زیرا یا باید فرد دچار رهبانیت از نوع مسیحی شود، یا باید دچار بی بند و باری غربی از نوع لیبرالیستی و کمونیستی شود و یا باید ازدواج موقت نماید و اسلام ازدواج موقت را انتخاب می‌کند چون بین زن و شوهر تعهد ایجاد می‌کند، اما اگر فرد ازدواج موقت نداشت و این تعهد را نداشت در آینده نیز نمی‌تواند ازدواج دائم داشته باشد و نمی‌تواند نظام خانواده تشکیل دهد یا باید به حرام مبتلا شوند که الان بسیار عادی رابطه بین دختر و پسر به سادگی مطرح می‌شود و یا باید فرد، رهبانیت را انتخاب کند یا انسان بسیار باتقوایی باشد و خود را حفظ نماید تا بعد بتواند ازدواج دائم داشته باشد. اگر کسی بخواهد با ازدواج موقت، عیاشی و هوس بازی داشته باشد این از نظر اسلام قطعاً ممنوع است. مثل کسانی که می‌خواهند با قوانین جامعه شیطنت کنند و سود بیشتری ببرند افرادی هم هستند که می‌خواهند با احکام شرعی شیطنت کنند و این با مقاصد شریعت ناسازگاری دارد و اسلام قطعاً با این حرکات مخالف است.

در بررسی یک نظام حقوقی باید تمام اجزاء آن را در کل در نظر گرفت و بررسی موارد جزئی و نتیجه گیری، ما را به نتیجه صحیح نمی رساند.

وظایف و تکالیف زن و مرد در اسلام

دین اسلام وظایف و تکالیفی برای مرد و زن در نظر گرفته است که هر یک برای حفظ نظام خانواده ملزم به رعایت آنها می باشند. مثلاً زن می تواند برای انجام کارهای خانه و شیر دادن بچه از مرد طلب اجرت نماید اما باید مطیع شوهر باشد و درخواست مشروع مرد را اجابت کند. مرد نیز موظف به تأمین نفقه خانواده می باشد و باید تأمین کننده امنیت و اقتصاد زن باشد و آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» اشاره به همین امر دارد.

ارث زن در اسلام

چون تأمین نفقه خانواده به عهده مرد می باشد؛ دو برابر زن ارث می برد و در واقع این مبلغ ارث را برای خانواده هزینه می کند و زن چون تأمین نفقه خانواده را به عهده ندارد، لازم نیست که آنچه به او به ارث رسیده است را هزینه خانواده نماید.

تفاوت دیه زن و مرد

چون مرد در نظام خانواده از نظر اسلام تأمین کننده ی نفقه ی خانواده است دیه او در برخی موارد دو برابر دیه زن می باشد، اما اگر زنی تأمین کننده نفقه خانواده باشد، در فقه اسلامی بنابر اصل عدالت؛ مبلغی به عنوان مازاد دیه برای وی در نظر گرفته می شود.

اصل حکمت خداوند

از نظر کلامی ثابت شد که؛ خداوند، عالم و حکیم است، بنابراین تمام دستوراتی که صادر می فرماید حکیمانه است و براساس مصالح و مفاسد واقعی انسان می باشد. مبنای برخی شبهات؛ مسایل عرفی است و باید دقت داشت که با تغییر عرف نمی توان احکام اسلامی را تعطیل کرد یا تغییر داد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز با عرف زمان خود مخالفت کرد و فقط برخی از آنها که مخالف شرع نبودند را بعد از اعمال تغییرات؛ پذیرفت. اگر عرف، خلاف شرع باشد اسلام آن را نمی پذیرد، اما اگر عرف با شرع مخالفت نداشته باشد مورد پذیرش اسلام می باشد.

اسلام و نظام خانواده

طبق سفارش پیامبر اسلام، به حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) اسلام، اداره منزل را به زن سپرده است و زن می تواند برای آن، از شوهر طلب اجرت نماید. فعالیت بیرون از منزل را نیز به عهده مرد قرار داده است. اسلام سفارش نموده است که زن حضور اجتماعی زیادی نداشته باشد تا ارتباط زیادی با نامحرم نداشته باشد اما فعالیت اجتماعی زن را ممنوع نکرده است. مثلاً برخی مشاغل مثل پزشکی زنان از نظر اسلام وجوب کفایی دارد اما این حضور اجتماعی نباید به افراط و تفریط بیانجامد، شاید برخی مشاغل و موارد از نظر فقهی حلال باشد اما تأمین کننده مقاصد شریعت نیست و اسلام قطعاً با این موارد مخالف است.

آزمون

۱ - وظیفه مادر در قبال شیر دادن بچه چیست؟
 الف) مسولیت ندارد
 ب) در صورت آسیب دیدن بچه بر او واجب است
 ج) می‌تواند طلب اجرت نماید
 د) موارد ب و ج صحیح است

۲ - در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» قوامون یعنی.....
 الف) مرد به وسیله زن استوار است
 ب) قوام امور زن به عهده مرد است
 ج) مرد بر زن برتری دارد
 د) زن باید مطیع مرد باشد

۳ - علت دوبرابر بودن دیه مرد در مقابل زن چیست؟
 الف) تأمین نفقه خانواده از جانب مرد است
 ب) برتری قدرت مردانه نسبت به عواطف زنانه است
 ج) برتری عقلی مرد نسبت به زن است
 د) ناشی از عرف زمان پیامبر می‌باشد

۴ - اگر زنی شاغل باشد و نفقه خانواده را تأمین می‌کند.....
 الف) شرع اسلام دیه وی را افزایش می‌دهد
 ب) طبق اصل عدالت، مقداری مازاد بر دیه به وی پرداخت می‌شود
 ج) دیه او فرقی نمی‌کند و نصف دیه مرد است
 د) موارد ب و ج صحیح است

۵ - ملاک احکام شرع چیست؟

الف) تابع مسایل عرف است

ب) مصالح و مفساد واقعی که حکیم آنها را تعیین کرده است

ج) مسایل عرفی که توسط پیامبر تغییر یافته است

د) فقه با تغییر موضوعات حکم خود را صادر می کند

۶ - در چه صورت ازدواج موقت ممنوع است؟

الف) وسیله شهوت رانی قرار گیرد

ب) مخالف عرف اجتماعی باشد

ج) مرد شرایط ازدواج دائم داشته باشد

د) همه موارد صحیح است